

انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

جمشید ممتاز*

استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۹/۴)

چکیده:

این سطور به منظور معرفی کتاب دکتر فریده شایگان تحت عنوان «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، ضمن ارائه خلاصه‌ای از موضوعات بررسی شده در کتاب بر نکات برجسته آن تأکید می‌نهد. این کتاب به تحول سیاست تحریم شورای امنیت به عنوان راهی برای خروج از بحران ناشی از آثار فاجعه بار تحریم‌های اقتصادی می‌پردازد. نویسنده کلید حل بحران را در احترام نهادن از سوی شورا به قواعد حقوق بین‌الملل ناظر بر حمایت از شخص انسان می‌داند. حمایتی که عملاً در گرایش شورا به اتخاذ رویکردی نوین با عنوان تحریم‌های هدفمند متجلی می‌گردد. کتاب ابعاد گوناگون تحریم‌های سنتی و همچنین نکات مثبت و منفی این رویکرد نوین را بررسی و راه‌حلی برای تضمین انطباق تحریم‌ها با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارائه داده است.

واژگان کلیدی:

تحریم‌های اقتصادی همه جانبه - شورای امنیت - حقوق بشر - حقوق بین‌الملل بشردوستانه - معافیت‌ها و استثناهای بشردوستانه - کمیته‌های تحریم - تحریم‌های هدفمند.

Email: djmomtaz@yahoo.com

* فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

پیشگفتار

کتاب «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، پایان‌نامه دکترای نویسنده است که در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۷ در دانشکده ژان مونه، دانشگاه پاریس ۱۱، از آن دفاع شده است و از سوی اعضای ژوری (اساتید: ژنویو بوردو (G. Burdeaux)، پاتریک دلیه (P. Daillier)، امانوئل دکو (E. Decaux)، دانیل دورمو (D. Dormoy)، پل تاورنیه (P. Tavernier)) به عنوان استاد راهنما، به ترتیب از دانشگاه‌های سوربن، پاریس ۰۱ - نانتر، پاریس ۲ و پاریس ۱۱) به دلیل کیفیت علمی عالی و بررسی عمیق موضوع مورد تقدیر قرار گرفته و به آن اجازه انتشار داده شد. به علاوه به عنوان پژوهشی شایسته شرکت در کنکور پایان‌نامه‌های دکترای ارزیابی گردید. این کتاب در مجموعه کتب "مرکز پژوهش‌ها و مطالعات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه" (CREDHO) دانشگاه پاریس ۱۱ منتشر شده است.

نحوه تنظیم مطالب کتاب

کتاب دارای یک مقدمه، یک فصل مقدماتی و دو بخش است. فصل مقدماتی، به بررسی مفهوم سانکسیون و مقایسه آن با اقدامات متقابل یک جانبه و سیر تاریخی سانکسیون‌های اقتصادی بین‌المللی اختصاص دارد.

بخش اول با عنوان «سانکسیون‌های اقتصادی شورای امنیت و مسأله حمایت از جمعیت غیرنظامی» شامل دو فصل است. فصل اول با عنوان «الزام شورای امنیت به احترام به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه» دارای دو قسمت می‌باشد. قسمت اول به بیان «مبانی تعهد شورای امنیت به احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و قسمت دوم به بررسی «محدودیت‌های اعمالی به وسیله حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر سانکسیون‌های اقتصادی شورای امنیت» پرداخته است. فصل دوم این بخش با عنوان «سانکسیون‌های اقتصادی شورای امنیت و احترام به حقوق بشر» نیز در دو قسمت با عناوین «تعارض رسالت دوگانه سازمان ملل متحد: حفظ صلح و احترام به حقوق بشر» و «نقض حقوق بشر به وسیله سانکسیون‌های اقتصادی شورای امنیت» تنظیم شده است.

بخش دوم با عنوان «انسانی کردن تحریم‌های شورای امنیت» نیز دارای دو فصل است. فصل اول با عنوان «عدم کارایی مکانیزم معافیت‌های بشردوستانه برای تضمین احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر»، خود دو قسمت با این عناوین را در بر می‌گیرد: «نظارت بر اجرای تحریم‌های اقتصادی به وسیله کمیته‌های تحریم» و «کمک بشردوستانه در شرایط ایجاد شده بر اثر تحریم‌های اقتصادی». فصل دوم این بخش با عنوان «جستجوی راه‌های انسانی کردن تحریم‌ها» هم در دو قسمت تنظیم شده است. قسمت اول عنوان

«چگونگی ایجاد سازش میان اقدام قهری غیر نظامی سازمان ملل متحد با ضروریات انسانیت» و قسمت دوم عنوان «قانونی بودن تحریم‌ها، تضمینی برای انسانی کردن آنها» را به خود اختصاص داده‌اند.

معرفی محتوای کتاب

کتاب به بررسی تحول سیاست تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت تأثیر حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه پرداخته است. شورای امنیت که در ۴۵ سال نخست فعالیت خود فقط دو بار به اقدامات غیرنظامی موضوع ماده ۴۱ منشور ملل متحد بر علیه رذیای جنوبی (۱۹۶۶) و آفریقای جنوبی (۱۹۷۷) متوسل شده بود، از زمان پایان جنگ سرد با فروپاشی بلوک کمونیست و از میان رفتن مانع اصلی تصمیم‌گیری‌های آن در طی دوره مذکور، به طور روزافزونی به اعمال تحریم‌های اقتصادی مبادرت کرده است.

استفاده مکرر از ابزار تحریم اقتصادی نقائص نظام امنیت جمعی مقرر در منشور، به ویژه سکوت آن را در خصوص چاره اندیشی در مورد آثار زیانباری که می‌تواند بر مردم بیگناه کشور تحت تحریم داشته باشد، آشکار نمود. این در حالی است که ماده ۵۰ منشور به مسأله آثار اقدامات قهری متخذة توسط شورا بر دولت‌های ثالث که در اثر اجرای تصمیمات این رکن دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند، اختصاص یافته و این موضوع به سکوت برگزار نشده است. تحریم‌های اقتصادی همه جانبه اعمال شده بر علیه عراق (۱۹۹۰، ۱۹۹۱)، یوگسلاوی سابق (۱۹۹۲) و هائیتی (۱۹۹۴)، به دلیل ایجاد آثار فاجعه بار انسانی در این کشورها، اعتراضات گسترده‌ای را برانگیختند. سازمان با برخورد و تعارض ارزش‌ها و اهداف مشترکی مواجه شده بود که منشور بر آن‌ها ارج نهاده است: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج احترام جهانی به حقوق بشر.

سکوت منشور در مورد آثار منفی تحریم اقتصادی بر جمعیت غیرنظامی دولت هدف را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ نویسنده به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد: به طور سنتی اقدامات شورای امنیت علیه دولت اعمال می‌شود. هدف از اقدامات قهری غیرنظامی فصل هفتم منشور، اعمال فشار بر دولت هدف از طریق محروم کردن آن از برخی امتیازات و منزوی ساختن آن به لحاظ سیاسی و یا اقتصادی در جامعه بین‌المللی به منظور وادار کردن آن به گردن نهادن به خواست‌های شورای امنیت است. ایجاد محرومیت و انزوا متوجه دولت با تمام عناصر سازنده آن، یعنی سرزمین، جمعیت و حکومت، می‌گردد. ظاهراً با این نگرش است که منشور هیچ راه چاره‌ای برای کاهش رنج و آلام مردمی که بدون تردید از اعمال تحریم‌ها را آسیب خواهند دید، ارائه نکرده است. بنیان گزاران سازمان نگرانی و چاره اندیشی در مورد آثار زیانبار

تحریم‌ها را بر جمعیت غیر نظامی حکومت دولت هدف وانهاده‌اند تا با تسلیم شدن به خواست‌های جامعه بین‌المللی به این وضع خاتمه دهد.

کتاب علت را این‌گونه توضیح می‌دهد: در ۱۹۴۵ هنوز اندیشه فرد به عنوان موضوع یا تابع حقوق بین‌الملل مطرح نشده بود و حقوق شخص انسان اساساً از اموری تلقی می‌شد که در صلاحیت داخلی دولت متبوع او قرار داشت. به این ترتیب، سکوت منشور را باید به نگرش سنتی به اصل حاکمیت دولت نسبت داد. جمعیت به دلیل تعلقش به دولتی که رفتار و سیاستش یکی از وضعیت‌های سه گانه مذکور در ماده ۳۹- تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز- را به وجود آورده است، متحمل رنج و مشقت می‌شود. در حالی که سایر دولت‌ها که مجری تصمیمات شورای امنیت هستند باید حتی‌الامکان از آثار منفی ناشی از اجرای آنها در امان بمانند، و به همین دلیل هم باید در جهت کمک به آنها تلاش کرد.

نویسنده نشان می‌دهد که چگونه بر خلاف آنکه از آثار ویرانگر تحریم‌های اقتصادی بر مردم کشور هدف به عنوان آثار ناخواسته یاد می‌شود، در واقع به هیچ‌وجه نمی‌توان این آثار را غیر عمدی به شمار آورد. وی ایجاد سازش میان فعالیت‌های شورای امنیت در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی و فعالیت‌های آن ارکانی که به امر توسعه و ترویج احترام به حقوق بشر اشتغال دارند را در گرو دادن چهره انسانی به تحریم‌ها از طریق احترام به قواعد و اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در چارچوب رژیم تحریم‌های اعمالی می‌داند. او بر آن است که اختیارات گسترده شورای امنیت در توسل به اقدامات قهری، این رکن را مجاز به اعمال خشونت غیر مجاز نمی‌سازد.

کتاب با ارائه دلایل و شواهد کافی نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی می‌توانند آثاری قابل مقایسه با آثار مخرب اقدامات نظامی و بلکه گسترده‌تر و پایدارتر ایجاد نمایند. در این شرایط جمعیت غیر نظامی باید برای برخورداری از حقوق انسانی خود، مانند دوران جنگ تا آنجا که ممکن است از آثار مخرب تحریم‌ها برکنار مانده و مورد حمایت قرار گیرد. و هیچ دلیلی وجود ندارد که غیرنظامیان و به ویژه گروه‌های آسیب پذیرتر حداقل از همان حمایت‌هایی برخوردار نشوند که در دوره مداخلات مسلحانه برای آنها شناخته شده است.

با آنکه حقوق بشر حمایتی گسترده‌تر را عرضه می‌دارد، و باید در همه حال، در زمان صلح و جنگ، محترم شمرده شود، با این حال فاقد معیارهای ملموس و کاربردی برای تأمین حداقل حقوق انسانی افراد در شرایط بحرانی و خشونت بار است. به همین دلیل نویسنده مانند اکثر صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل، نهادهای ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی که به مسأله آثار منفی تحریم‌ها بر مردم بیگناه کشور هدف پرداخته‌اند، در خصوص حمایت از آنها در برابر چنین آثاری به حقوق بین‌الملل بشردوستانه متوسل شده است.

از این رو در فصل اول (از بخش اول) ابتدا مبانی حقوقی الزام شورای امنیت به احترام به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با در نظر گرفتن این واقعیت که سازمان ملل متحد از طرف‌های کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ نیست، به تفصیل بررسی شده است. آنگاه قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تحریم‌های اقتصادی از طریق قیاس - اعم از آنکه در زمان مخصصات مسلحانه یا در زمان صلح اعمال شده باشند - مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. قسمت دوم از این فصل به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال بر تحریم‌ها اختصاص یافته است. نکته شایان توجه آنکه در این بررسی به ویژه اصول تفکیک، تناسب و ضرورت با شرایط ناشی از تحریم‌های اقتصادی انطباق داده شده و مفهوم و کارکردی که می‌توانند در این شرایط داشته باشند، تشریح شده است.

علاوه بر این اصول، قابل اعمال بودن ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و ضمانت‌های اساسی مذکور در ماده ۷۵ پروتکل ۱ الحاقی و ماده ۴ پروتکل ۲ الحاقی به آن کنوانسیون‌ها، بر تحریم‌های اقتصادی بررسی شده است. سپس قابلیت اعمال برخی از قواعد خاص حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، از جمله منع گرسنگی دادن به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی (موضوع ماده ۵۴ پروتکل ۱ و ماده ۱۴ پروتکل ۲ الحاقی ۱۹۷۷)، با توجه به آنکه یکی از آثار بارز تحریم‌های اقتصادی همه جانبه دامن زدن به قحطی و گرسنگی بوده است، مورد مطالعه قرار گرفته است. در همین جهت مسأله قانونی بودن محاصره غذایی اعمالی بر عراق و کویت به موجب قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) شورای امنیت به طور جداگانه بررسی شده است. لازم به ذکر است که در این قطعنامه مواد غذایی از شمول تحریم‌ها معاف نشده بود، و فقط در صورتی که ملاحظات بشردوستانه اقتضاء می‌نمود، امکان مستثنی کردن آنها از رژیم تحریم‌ها به صورت موردی وجود داشت.

در فصل دوم (از بخش اول)، نخست به تعهد شورای امنیت بر طبق منشور ملل متحد به ایجاد سازش میان الزامات حفظ صلح از یک طرف و احترام به حقوق بشر از طرف دیگر پرداخته شده است. اول با طرح این سؤال که آیا رکن مذکور می‌تواند عهدنامه تأسیس سازمان ملل متحد را نقض نماید؟ سپس استدلال‌هایی به منظور اثبات وجود چنین تعهدی برای شورا بر این اساس که اسناد اساسی حقوق بشر تفسیر موثق منشور محسوب می‌شوند، ارائه شده است. سرانجام با در نظر گرفتن این واقعیت که سازمان ملل متحد از طرف‌های معاهدات حقوق بشری نیست؛ و اینکه این حقوق اصولاً پس از تصویب منشور مشخص و تعریف شده و توسعه یافته‌اند؛ مسأله تعهد شورا به احترام به حقوق بشر به موجب حقوق بین‌الملل عام و

به خصوص آن دسته از حقوق بشر که در زمره قواعد آمره به شمار آمده و متضمن تعهدات عام الرعايه (*erga omnes*) می‌باشند، مورد مطالعه قرار گرفته است.

آنگاه در انتهای همان قسمت به موضوع جایگاه حقوق بشر در نظام امنیت جمعی منشور، با توجه به تعارض موجود در عملکرد شورای امنیت، توجه شده است. بدان معنا که تحریم‌ها در عملکرد شورا به دو طریق به حقوق بشر مربوط می‌شوند. یکی اینکه، نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یک کشور به دفعات از سوی این رکن از موجبات توصیف یک وضعیت به عنوان "تهدید بر صلح"، و اقدام به تحریم برای برطرف کردن تهدید بوده است. دیگری به آثار فاجعه بار تحریم‌ها بر مردم بیگناه در کشورهای هدف مربوط می‌شود. این امر تحریم‌های اقتصادی را همچون سلاحی دو دم معرفی می‌کند.

از نظر نویسندگان حقوق بشر با هویت جامعه بین‌المللی ارتباط دارد. هویتی که سازمان ملل متحد و به خصوص شورای امنیت در شکل دادن به آن نقشی اساسی ایفا می‌کنند. شورا این کار را با استفاده از اختیاراتی که به موجب فصل هفتم منشور دارد از طریق شرکت در فرآیند تعیین حدود و مرزهای جامعه بین‌المللی ایفا می‌کند، یعنی از طریق تعیین آنچه تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی و از این رو تهدیدی برای نظم عمومی بین‌المللی محسوب می‌شود، انجام می‌دهد. در نتیجه، شورا لاجرم وظیفه تضمین احترام به حدود و ارزش‌های برتر جامعه بین‌المللی را بر عهده دارد. حقوق بشر در رده اول این ارزش‌ها برای تعیین مرزهای این جامعه قرار دارد. ضمن بیان علل تناقض در عملکرد شورا، نویسندگان از این بحث نتیجه می‌گیرند که شورای امنیت با این نحو عملکرد خود تصویری مخدوش از جامعه بین‌المللی ارائه می‌دهد، از یک سو با حمایت از حقوق بشر، و از سوی دیگر با نادیده گرفتن آن به وسیله اعمال تحریم‌های اقتصادی.

در قسمت دوم این فصل به آن دسته از حقوق بشر که بیشتر احتمال دارد از اجرای تحریم‌ها صدمه ببینند، پرداخته شده است. در میان آنها حقوقی از هر سه نسل حقوق بشر، یعنی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و همچنین برخی از حقوق جمعی متعلق به نسل سوم، یعنی "حق ملل (یا مردم) به تعیین سرنوشت خود" و حق توسعه" به چشم می‌خورد. مسأله نقض این حقوق در اثر اعمال و اجرای تحریم‌ها و نیز الزام شورا به رعایت آنها به طور مستدل در این قسمت بررسی شده است.

نگارنده کتاب معتقد است که شورای امنیت برای احتراز از ایجاد وضعیتی که ممکن است منجر به نقض گسترده حقوق انسان‌ها در کشور مورد تحریم گردد نباید تنها به پیش بینی معافیت‌ها و استثنایهای بشردوستانه نسبت به تحریم‌ها اکتفا نماید. زیرا تجارب بدست آمده از تحریم‌های اعمالی بر عراق، یوگسلاوی و هائیتی عدم کارایی یا کارایی ناچیز این مکانیزم را

به خوبی ثابت کرده است. به نحوی که حتی برنامه‌ای به گستردگی برنامه «نفث در برابر غذا» قادر به پاسخگویی به نیازهای اولیه مردم عراق نبود. در نظر گرفتن معافیت‌های بشردوستانه در چارچوب تحریم‌ها اگرچه لازم است، اما به تنهایی نمی‌تواند به تحریم‌ها چهره انسانی‌تر ببخشد. علل عدم کارایی این مکانیزم با توجه به ویژگی‌ها و نحوه کار ارکان مسئول نظارت بر اجرای تحریم‌ها و صدور مجوز برای معافیت‌های بشردوستانه، یعنی کمیته‌های تحریم به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برنامه «نفث در برابر غذا»، اهداف و مبانی حقوقی، نحوه اجرا، میزان کارایی و انتقادات وارده به آن به عنوان برنامه‌ای بی سابقه به طور جداگانه مطرح و بررسی شده است. یکی از جالب‌ترین مباحث کتاب، طرح و تجزیه و تحلیل مشکلاتی است که فضای ناشی از اجرای تحریم‌ها برای عملیات کمک رسانی سازمان‌های بشردوستانه، از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نیز برای فعالیت‌های برخی از ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی ملل متحد ایجاد کرده بود.

معافیت‌های بشردوستانه در چارچوب تحریم‌های همه جانبه اقتصادی، به عقیده فریده شایگان، نه تنها ناکافی، بلکه بی رحمانه تلقی شده‌اند، زیرا اجازه تداوم تحریم‌ها و در نتیجه تداوم رنج مردم را می‌دهند. در واقع همان‌طور که کمک بشردوستانه نمی‌تواند به حملات نظامی کوری که با نادیده گرفتن اصل تفکیک میان رزمندگان و غیر رزمندگان انجام می‌شود، مشروعیت ببخشد، معافیت‌ها و استثنای‌های بشردوستانه در چارچوب تحریم‌های اقتصادی همه جانبه نیز فاقد چنین خصوصیتی محسوب شده‌اند. نویسنده بر آن است که شورای امنیت برای رفع این معضل باید رویکرد خود نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی را تغییر دهد. صلحی که به بهای قربانی کردن حقوق بنیادین مردم بیگناه به دست آید به ناچار بی ثبات خواهد بود. اعتبار شورای امنیت به اتخاذ رویکردی منسجم نسبت به مجموعه اهداف سازمان از طریق وارد کردن ملاحظات انساندوستانه یا بعدی انسانی در مأموریت خود، به عنوان عنصر ضروری صلح و امنیت بین‌المللی بستگی دارد. تحول سیاست تحریم‌های شورای امنیت در جهت هدفمند یا «هوشمند» ساختن آنها بر مبنای رعایت اصل تفکیک میان رهبران سیاسی و نظامی و حامیان آنها از یک سو و غیرنظامیان بی‌گناه از سوی دیگر، به عقیده او می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی را به ابزاری منطبق با حقوق بین‌الملل تبدیل نماید، مشروط بر اینکه با پیش بینی معافیت‌های بشردوستانه بتوان آثار جانبی آنها را با هدف مورد نظر متناسب کرد. این در واقع نحوه عمل شورا در سال‌های اخیر بوده است.

تحریم‌های هدفمند اشخاص حقیقی و یا حقوقی دولتی و غیردولتی را که تغییر رفتارشان مورد نظر شورا است، هدف قرار می‌دهند. این سیاست یا رویکرد جدید به تحریم‌ها، انحراف از نظام پیش بینی شده در منشور محسوب می‌شود که به موجب آن مخاطب سنتی اقدامات

نظامی و غیرنظامی فصل هفتم دولت است. تحریم‌های هدفمند یا هوشمند در مقایسه با تحریم‌های همه جانبه که کار آیی ناچیزشان را تجربه نشان داده است، به طور منطقی ابزاری با کارآیی بیشتر محسوب می‌شوند، چون فشار را مستقیماً بر آنجا که لازم است متمرکز می‌کنند، نه بر مردمی که قادر به وادار کردن رهبرانشان به تغییر سیاست خود نیستند. این تحریم‌ها با الزامات دنیایی عادلانه‌تر که احترام به حقوق و کرامت انسان از مبانی آن است، همخوانی دارد. تحریم‌های هدفمند نه فقط از حیث به حداقل رساندن آثار منفی تحریم‌ها بر مردم کشور هدف، بلکه از حیث اجتناب از ایجاد مشکلات اقتصادی برای دول ثالث نیز بر تحریم‌های اقتصادی سستی ترجیح دارند.

نویسنده به بیان جنبه‌های مثبت رویکرد جدید شورا به تحریم‌ها بسنده نکرده و به این نکته هم توجه می‌کند که آنها نیز از سرزنش و انتقاد کاملاً مصون نمانده‌اند. تحریم‌های هدفمند از جهاتی به دلیل عدم انطباق با استانداردهای بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و به ویژه نادیده گرفتن حق اشخاص هدف بر دادرسی منصفانه مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. با وجود اقداماتی که در جهت بهبود آئین رسیدگی به اعتراض اشخاصی که نامشان در فهرست تهیه شده از سوی کمیته‌های تحریم قرار گرفته است، مشکلات مربوط به آن اساساً به قوت خود باقی است.

با توجه به اینکه هیچ تضمینی وجود ندارد که شورای امنیت در شرایطی دیگر دوباره به تحریم‌های همه جانبه متوسل نشود؛ و از آنجا که انطباق تصمیم شورا در خصوص تحریم‌ها با حقوق بین‌الملل مربوط به حمایت از شخص انسان، تضمینی برای حمایت از غیرنظامیان کشور هدف در مقابل آثار زیانبار آنها به شمار می‌آید، امکان رسیدگی قضایی به این مسأله توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و آثار حقوقی احراز این عدم انطباق مورد مطالعه قرار گرفته است. سایر راه‌های حصول اطمینان از انطباق تحریم‌ها با قواعد مذکور، یعنی: (۱) پیش بینی قواعد خاص قابل اعمال بر تحریم‌ها، چه در مرحله توسل به تحریم‌ها و چه در طی دوره اجرای آنها؛ (۲) ارزیابی پیش‌نگرانه آثار احتمالی تحریم‌ها، ارزیابی منظم آثار آنها در طی دوره اجرا و نیز آثار بلند مدت تحریم‌ها (پس از خاتمه آنها)؛ (۳) محدود کردن تحریم‌ها از نظر زمانی به عنوان ابزار کنترل قانونی بودن آنها، از جنبه‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است.

کتاب با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد که به رغم تحولات مثبتی که در سیاست تحریم شورای امنیت صورت گرفته است، این احتمال که شورا در شرایطی دیگر مجدداً به تحریم‌های همه جانبه متوسل شود، منتفی نشده است. در ضمن غیر واقع بینانه خواهد بود اگر تصور شود که برخی از اعضای دائم شورای امنیت- به ویژه آمریکا که از زمان فروپاشی بلوک

کمونیسست در استفاده از این رکن به عنوان ابزار مشروعیت بخشیدن به منافع و سیاست خارجی خود و تعریف مجدد نظم جهانی و تسلط بر آن تردیدی روا نداشته است - حاضر خواهند بود تحریم‌های هدفمند را به عنوان یک اصل غیر قابل عدول بپذیرند. لذا در نبود یک چارچوب حقوقی خاص قابل اعمال بر تحریم‌های فصل هفتم منشور، به نظر نویسنده این خطر وجود دارد که انسانی کردن آنها اقدامی نامطمئن باقی بماند.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«تحریم اقتصادی و حقوق بین‌المللی عمومی»، سال ۱۳۶۰ شماره ۲۲. «نظام حقوقی سرمایه‌گذاران پیشگام در منطقه بین‌المللی بشر دریاها» سال ۱۳۷۰، شماره ۲۶. «حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران» سال ۱۳۷۳، شماره ۳۲. «تفسیر دوگانه از کنوانسیون حقوق دریاها: قانون مناطق دریایی ایران و اعتراض آمریکا» سال ۱۳۷۵، شماره ۳۵. «مداخله آمریکا در امور ایران و اقامه دعوای ایران در دیوان داوری ایران و آمریکا» سال ۱۳۷۶، شماره ۳۷. «حداقل قواعد بشر دوستانه قابل اجرا در آشوب‌ها و شورشهای داخلی» سال ۱۳۷۸، شماره ۴۵.